



مطالعه پدیده ازدواج زودرس در شهرستان رضوان شهر (مورد مطالعه: روستای ویشه سرا)

مهیا آزمایش آسیابسری

چکیده

امروزه علیرغم افزایش آگاهی و دانش عمومی مردم در حوزه‌های مختلف، باز هم میزان ازدواج‌های زودهنگام در دنیا و ایران نگران کننده می‌باشد. شهرستان رضوان شهر در استان گیلان هم یکی از شهرهایی است که دارای بالاترین میزان ازدواج‌های زودهنگام می‌باشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، مطالعه جامعه‌شناختی پدیده ازدواج زودهنگام در بین زنان زیر ۱۵ سال روستای ویشه سرا در رضوان شهر در است. روش پژوهش، کیفی بوده و از رویکرد نظریه زمینه‌ای به عنوان روش عملیاتی پژوهش استفاده شده است. مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، ۲۴ نفر از دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال شهر تیتکانلو هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند و نظری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با بهره‌گیری از رویه‌های نظام‌مند استراوس و کربین در سه مرحله کدگذاری «باز»، «محوری» و «انتخابی»، تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که شرایط علی موثر بر کودک همسری عبارتند از: کسب فرصت آزادی، اهمیت یافتن زنانگی، ترس از آبرو، فشار هنجاری، فقر فرهنگ، اجبار و اقتدار والدین، تاثیر گروه همسالان، ترس از دست دادن فرصت ازدواج مناسب، تمایل پسران برای ازدواج با دختران کم سن و سال، پایگاه اقتصادی مناسب خواستگار، تبعیض جنسیتی، نیاز به همدم و تکیه‌گاه، ضعف مهارت‌های زندگی.

کلیدواژه‌ها: ازدواج زودهنگام، کودک همسری، روش داده‌بنیاد، رضوان شهر.

بیان مسئله

ازدواج یکی از عمیق‌ترین و ژرف‌ترین روابط انسانی است که به طور کلی با رضایت زوجین بنیان گذاشته می‌شود. ازدواج، مکانیسم کلیدی مراقبت از تبار خانواده و تعیین مرزهای روابط اجتماعی می‌باشد (احمد و همکاران، ۱۵: ۳۰۷). ازدواج از مهم‌ترین نهادهای جامعه است که از یک سو تنظیم کننده روابط جنسی و در نتیجه تضمین کننده سلامت جامعه از انحراف و فساد بوده و از سوی دیگر، آغازگر زندگی خانوادگی در جهت ایجاد محیطی آرام و مناسب برای فرهنگ‌پذیری و اجتماعی شدن کودکان و در نتیجه، تضمین کننده آینده جامعه می‌باشد (تقوی، ۱۳۶۹: ۱۶). به عبارتی، یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های زندگی مشترک، ارتباط جنسی سالم و رضایت بخش زوجین است که در قالب ازدواج مشروع شکل می‌گیرد و بی‌گمان برخورداری از آمادگی لازم جسمی،



روانی و اجتماعی رکن اساسی آن است، لیکن در این میان برای تعداد زیادی از دختران و برخی از پسران این ارتباط و پیوند مهم، قبل از سن قانونی و رشد لازم رخ می‌دهد که آثار منفی و پیامدهای ناگواری، به‌ویژه برای دختران به دنبال دارد و موجب آزار، اعمال خشونت و آسیب‌های جبران ناپذیری بر آنان خواهد بود (دولت آبادی، ۱۳۷۹: ۲۱). در واقع، ازدواج یک عمل اجتماعی است که از طریق یک عمل عمومی، مراسم مذهبی و سنتی انجام می‌شود و منعکس کننده اهداف، شخصیت و آداب و رسوم جامعه‌ای است که در آن انجام شده است. بسیاری از جوامع، حداقل سنی را برای ازدواج دختران جوان تعیین می‌کنند، اما در برخی موارد به منظور آمادگی‌های فیزیولوژیکی افراد برای بچه‌دار شدن محدودیت سنی در نظر گرفته شده است. باید در نظر داشت که همیشه نسبتی از کل ازدواج‌ها در سنین بسیار زودتر از حداقل سن قانونی اتفاق می‌افتد (گیدای، ۲۰۰۶).

ازدواج زودرس به صورت ازدواج‌های زیر ۱۸ سال تعریف می‌شود که هر دو جنس را متأثر می‌سازد اما بیشتر دختران در معرض آن قرار می‌گیرند. با وجود اینکه ازدواج زودرس در دهه‌های اخیر کاهش یافته است اما هنوز در بسیاری از کشورها بخصوص در مناطق روستایی، امری معمول و عادی است. با وجود این که بیشتر کشورها حداقل سن قانونی برای ازدواج را ۱۸ سال اعلام کردند، پیش‌بینی می‌شود بیش از ۱۰۰ میلیون دختر در دنیا در دهه آینده ازدواج زودرس داشته باشند (لطفی، ۱۳۸۹: ۶۸). مطالعات نشان می‌دهد که در جهان امروز حدود ۸۲ میلیون دختر که در حال حاضر بین ۱۰ تا ۱۷ سال سن دارند، قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند؛ این رقم دخترانی را که در سنین پایین تر ازدواج می‌کنند نیز در برمی‌گیرد؛ به عنوان نمونه در «نپال» ۷٪ از دختران، قبل از رسیدن به سن ۱۰ سال و ۴۰٪ تا رسیدن به سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند. در منطقه «امهرای اتیوپی» در مناطق روستایی، ۴۰٪ دختران قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند و حتی در برخی از موارد برای خودداری از پرداخت وجه لازم قبل از ازدواج، ربوده می‌شوند و مورد تجاوز قرار می‌گیرند (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۴۸). تخمین زده شده است بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰، ۱۳۰ میلیون دختر ازدواج زودهنگام خواهند داشت که از این تعداد ۱۴ میلیون دختر هر سال ازدواج می‌کنند و بسیاری از اینها زیر ۱۵ سال سن دارند. همچنین بیش از ۷۰۰ میلیون زنی که امروزه در قید حیات هستند، کودکان متأهلی‌اند که متأسفانه نیمی از این تعداد در جنوب آسیا به سر می‌برند (پانهیرو، ۲۰۰۶: ۱۳۲).

البته در اغلب این موارد مسأله رضایت و پذیرش ازدواج از سوی هریک از طرفین، به ویژه دختر و رضایت به انجام عمل جنسی صدق نمی‌کند و اغلب موارد رابطه جنسی در سن ۱۰ یا ۱۱ سالگی اتفاق می‌افتد، یعنی قبل از رسیدن دختر به سن بلوغ آغاز می‌شود. در مقابل حتی به دنبال رد کردن ازدواج، خشونت شدید علیه دخترانی اتفاق می‌افتد که عموماً در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند و به صورت‌های گوناگون مانند اسیدپاشی بروز می‌کند (آذربایجانی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). کودک همسری می‌تواند مشکلات عدیده‌ای برای دختران و زنان به همراه داشته باشد. علاوه بر مشکلات بهداشتی و سلامتی، کودک همسری اغلب به معنای پایان دوران تحصیلات و فرصت‌های حرفه‌ای دختران تعریف می‌شود. اگر چه این آسیب اجتماعی هر دو جنس را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما دختران معمولاً بیشتر از پسران آسیب می‌بینند (ارولکار، ۲۰۱۳: ۸). در کنار این مسأله می‌توان به میزان خشونت‌هایی



اشاره نمود که زنان در نتیجه ازدواج زودهنگام تجربه می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افرادی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، معمولاً خشونت بیشتری را از طرف شریک زندگی خود می‌بینند (کیپلساند و مورتن، ۲۰۱۴: ۹۰). استان گیلان یکی از استان‌هایی است که بیشترین آمار ازدواج‌های زودرس را دارد. براساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۴۰۰، بیش از ۱۷۰۰ واقعه ازدواج زودرس در استان اتفاق افتاده است که این تعداد در مقایسه با سال‌های ۹۸ و ۹۹ افزایش داشته است. این میزان نشان می‌دهد که هنوز هم کودک همسری یا ازدواج‌های زودرس مساله‌ای نگران‌کننده برای استان می‌باشد. لذا، با عنایت به اینکه در استان گیلان و به‌ویژه رضوان‌شهر، میزان کودک همسری قابل تامل بوده و افزایش این پدیده می‌تواند کیفیت زندگی سالم و امنیت نهاد خانواده در سطوح مختلف تحت‌الشعاع قرار داد؛ بنابراین، انجام مطالعات علمی به منظور شناسایی عوامل زمینه‌ساز مساله کودک همسری در جامعه هدف ضرورت دارد و از آنجا که ازدواج زودرس با توجه به زمینه فرهنگی و اجتماعی، محیط و سطح توسعه‌یافتگی مناطق متفاوت می‌باشد، بنابراین، برای فهم زمینه‌ها و عوامل و متغیرهای مرتبط با این مساله بایستی به تجربه‌های زیسته افراد روی آورد. لذا ضرورت اهمیت این پژوهش در میان زنان متأهل روستای ویشه‌سرا در شهرستان رضوان‌شهر به خوبی نمایان می‌شود. تحقیق حاضر به قصد تحلیل عمقی و موشکافانه این پدیده و بررسی لایه‌های گوناگون آن به تجربه زیسته زنانی می‌پردازد که در کودکی ازدواج کرده‌اند.

پیشینه تجربی پژوهش

قاسمی و دادجو (۱۳۹۸) به آسیب‌شناسی پدیده کودک همسری در ایران پرداخته‌اند. به اعتقاد نویسندگان، از جمله راهکارهای جلوگیری از کودک همسری، می‌توان به مواردی همچون تجدیدنظر در مورد قوانین سن ازدواج، شروع بسترسازی کامل فرهنگی، اقتصادی و تحصیلی، قوی کردن جامعه مدنی و انجمن‌های اجتماعی در این مناطق در مورد مسائل زناشویی و ازدواج، الزامی شدن ثبت موارد ازدواج‌های زودهنگام و موالید این ازدواج‌ها، تشکیل کارگروه‌های دولتی مثل بهزیستی، آموزش و پرورش، غیرقانونی کردن ازدواج‌های اجباری، سیاست‌های حمایتی برای حمایت از قربانیان و ضمانت اجرایی برای قوانین و همچنین درگیر کردن شخصیت‌های مذهبی در مناطقی که سن کودکان پایین اشاره نمود.

نتایج پژوهش مقدادی و جوادپور (۱۳۹۶) با عنوان «تاثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن»، نشان می‌دهد که مسائلی مانند فقر، عوامل فرهنگی و اجتماعی، حفظ آبرو و شرف خانوادگی و... زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نماید که با وجود ویژگی‌های بارز کودکی در رابطه زناشویی و عدم آموزش و آگاهی‌های اجتماعی لازم می‌تواند منجر به تضییع حقوق کودک و آزار و بهره‌کشی از وی شود. از دیگر سو می‌تواند سلامت جنسی کودکان را تحت تاثیر قرار دهد و منجر به بیماری‌های جسمی، روحی و روانی، افزایش حاملگی و زایمان زودرس و... شود. از این رو ارتقای آگاهی‌ها و پیش‌بینی تکالیف و تعیین مجازات‌های مناسب، چنین پدیده‌ای را محدود ساخته و امکان بروز چنین پیامدهای ناگواری را کاهش می‌دهد.



یافته‌های پژوهش سعیدی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی مردمنگارانه پدیده ازدواج زودهنگام در میان مهاجران افغان»، بیانگر آن است که ازدواج زودهنگام در میان قوم هزاره به عنوان عاملی برای حمایت و محافظت از دختران چه در افغانستان و چه در کشورهای میزبان قلمداد می‌گردد. کودک همسری در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی، هنجارهای کلیشه‌ای جنسیتی، همچنان به عنوان یک الگوی سنتی زناشویی در میان مهاجران افغان (هزاره) در جوامع میزبان (ایران و آلمان) با شدت و ضعفی متفاوت تداوم یافته است.

افتخارزاده (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام» به بررسی تجربه زیسته دوازده مورد از زنان شهر تهران پرداخته که کودک همسری را در سنین پایین تجربه کرده بودند. یافته‌ها نشان می‌دهند که فقر و عوامل اقتصادی، فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی و ترس از بی‌آبرویی مهمترین علل رخداد ازدواج زودهنگام در میان نمونه مورد بررسی در این تحقیق بوده است.

یافته‌های سادات صفوی و مینایی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر» بیانگر آن است از آن جایی که این زنان در فرایند انتخاب همسرشان دخیل نبوده‌اند و به رشد کافی عقلی نرسیده بودند، ازدواج‌شان در حقیقت توافقی میان والدین دختر و پسر بوده است؛ بنابراین این دختران حتی تصور و شناخت درستی از ازدواج و مسئولیت‌های مربوط به آن نداشته‌اند و از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه و همچنین روابط شخصی، نظیر برقراری ارتباط مناسب با همسر، فرزندان و اطرافیان‌شان دچار مشکلات فراوانی شده‌اند. از سوی دیگر، به دلیل آموزش ندیدن در زمینه مسائل جنسی، بارداری در سنین پایین زمینه‌ساز مشکلات جسمی و روانی برای این افراد بوده است.

ایمان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزندآوری آنان»، به این نتیجه رسیدند که بین درصد شهرنشینی و نرخ ازدواج دختران نوجوان شهری و فرزندآوری آنان رابطه و همبستگی منفی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان از نرخ ازدواج دختران نوجوان شهری و فرزندآوری آنان کاسته می‌شود.

نتایج تحقیق حسینی و گراوند (۱۳۹۲) نشان داد که تجربه ازدواج زنان از نظر شاخص سن ازدواج متفاوت از نگرش آن‌ها در خصوص سن مناسب ازدواج برای دختران است. بر پایه این بررسی، در ۶۳ درصد جمعیت نمونه، رفتار ازدواجی زنان متفاوت از نگرش آن‌ها در خصوص سن مناسب ازدواج برای دختران است. مقادیر شاخص شکاف و ضرایب آن نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج ترجیحی بخش قابل توجهی از افراد برای دختران بیشتر از سن آنها به هنگام ازدواج است که این تفاوت ناشی از نوسازی است.

یافته‌های پژوهش لطفی (۱۳۸۹) بیانگر آن است که ازدواج زودرس که بصورت ازدواج قبل از ۱۸ سالگی تعریف می‌شود هر دو جنس را متأثر می‌سازد اما دختران بیشتر در معرض آن هستند و آسیب‌ها و عوارض شدیدی را متحمل می‌گردند. از آنجا که این واقعه بیشتر در بستر فقر و نابرابری جنسیتی رخ می‌دهد دارای جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و برخی علل آن



عبارتند از فقر، پیشگیری از فعالیت جنسی زودرس و حفظ آبروی خانوادگی و عوامل فرهنگی و اجتماعی ازدواج زودرس می‌تواند منجر به افزایش تعداد فرزندان، حاملگی و زایمان زودرس، مرگ و میر در مادر نوجوان باردار و در حین زایمان، افزایش ابتلا به HIV و سایر بیماری‌های مقاربتی، افزایش مرگ نوزاد، آنمی، پره اکلمپسی، افزایش خونریزی‌های زایمانی و بعد از زایمان، فیستول‌های مامایی، زایمان سخت و طولانی، انزوای اجتماعی، افسردگی، خودکشی و همسرکشی گردد. این افراد معمولاً تحصیلات، درآمد و استقلال کمتری داشته و بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند. توان زنان نوجوان در مشارکت در سلامت باروری کاهش می‌یابد و حتی گاهی اختیار دریافت مراقبت بهداشتی را به دلایل مختلف ندارند.

یافته‌های پژوهش شیدایی و خدابخش (۱۳۸۷) نشان دهنده این است که نزدیک به نیمی از جمعیت ازدواج کرده سال ۱۳۷۷ ازدواج زودرس دارند. پیش‌رسی ازدواج برای مردان حدود ۴ درصد بیشتر از زنان است. فقر و ثروت در کاهش یا افزایش سن ازدواج موثر است؛ به‌طوری که در خانواده‌های فقیر سن ازدواج معمولاً پایین‌تر از خانواده‌های مرفه می‌باشد.

مورتادا^۱ و همکاران (۲۰۱۷) به مطالعه جامعه‌شناختی کودک‌همسری در میان جمعیت آسیب‌دیده از جنگ در کشور لبنان پرداختند. این تحقیق به روش کیفی انجام گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگر چه کودک همسری یک شیوه رایج سوریه قبل از جنگ بود، اما به نظر می‌رسد که عوامل جدیدی به وقوع کودک همسری در بین پناهندگان سوریه در لبنان کمک می‌کنند. پاسخ‌دهندگان به رابطه بین جنگ و جابجایی، احساس ناامنی، بدتر شدن شرایط اقتصادی و اختلال آموزش نوجوانان و زنان اشاره کردند.

مک‌کلری سیلز^۲ و همکارانش (۲۰۱۵) در پژوهشی درباره رابطه میان آموزش دختران و ازدواج آنها در سنین کم، به موانع اجتماعی و ساختاری توجه کردند که مانع تحصیل دختران و تحقق نقش حمایتی آموزش برای شنیده شدن صدای آنهاست. به اعتقاد آنها، فقدان آموزش، پیامد ازدواج زودهنگام دختران است و مخاطرات بسیاری برای آنها دارد.

یودین^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی به این نتیجه رسید که ازدواج‌های زودرس در بنگلادش به صورت معنی‌داری با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده همبسته می‌باشد. در این مطالعه استدلال می‌شود که قومیت، الگوهای خانوادگی، الگوهای سکونت، بی‌سوادی و پایگاه شغلی انتسابی از عوامل خطر ازدواج‌های زودرس در بین زوج‌های روستایی بنگلادش هستند.

سیگل - اینگلچین^۴ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به مطالعه ازدواج زودهنگام از نگاه زنان متاهل و نامزد مسلمان در کشور اسرائیل پرداختند. یافته‌های بدست آمده از زنان نامزد کرده نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام برای آنها راهی برای برآورده ساختن نیاز خود در رسیدن به آزادی، داشتن عشق در یک چارچوب قابل احترام فرهنگی و فرار از فقر و از خانواده سخت‌گیر بوده است.

1. Mourtada
2. McCleary-Sills
3. Uddin
4. Segal-Engelchin



برعکس، روایت زنان متاهل نمایانگر هزینه سنگین و مزایای محدود ازدواج زودهنگام، ایجاد مشکلات شدید و عدم حل مشکلات پیشین می باشد.

بر اساس یافته‌های ونگ^۱ و بوگنسچتز^۲ (۲۰۱۴) ازدواج در سنین پایین در همونگ نرخ بالایی دارد. همچنین، بین ازدواج زودهنگام و سطح درآمد کم و تحصیلات پایین ارتباط وجود دارد. زنان جوان متاهل در مقایسه با زنانی که می‌خواهند در سنین بالاتر ازدواج کنند؛ دسترسی کمتری به امکانات آموزشی دارند.

یوکسل کاپتاو اوغلو^۳ و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی فرایند ازدواج زودهنگام در کشور ترکیه پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت کل زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله که قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند، از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است. افزایش سطح تحصیلات زنان و دستیابی به برابری جنسیتی در تمامی حوزه‌های زندگی گامی ضروری برای مقابله با مشکل ازدواج زودهنگام و از میان برداشتن ازدواج کودکان می‌باشد.

سابه^۴ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «تعیین‌کننده‌های ازدواج زودرس و اجباری» به این نتیجه رسیدند که چهار عنصر اختلافات قانونی و اجتماعی در مفهوم‌سازی ازدواج زودرس و اجباری، تاثیر قانون‌گذاری، تحصیلات و عامل اقتصادی را از جمله عوامل تاثیرگذار بر ازدواج زودرس دانسته و قانون جدید خانواده و یا مجموعه قوانین مدون را به عنوان بیشترین عامل موثر در پیشرفت حقوق زنان در حوزه ازدواج می‌دانند. با وجود این شرکت‌کنندگان اشاره کردند که نگرش‌ها و رفتارهای مردسالارانه موجود اثر این قوانین را کم کرده است.

گاج^۵ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «ارتباط ازدواج کودکان با افکار و اقدام به خودکشی در میان دختران نوجوان در اتیوپی»، به این نتیجه رسید که دخترانی که در سنین بین ۱۰-۱۷ سالگی در اتیوپی ازدواج کرده‌اند، بیشتر به فکر خودکشی افتاده‌اند. در جوامعی که در ازدواج زودرس و کودک همسری جلوگیری می‌شود، فکر و خیال به خودکشی هم کاهش می‌یابد.

در مطالعه‌ای کریمیشل^۶ (۲۰۱۱) در رابطه با ازدواج و قدرت، به تاثیر شهرنشینی، تحصیلات، نسبت جمعیتی باورهای مسلمانی و انواع خانواده می‌پردازد. وی به این نتیجه می‌رسد که تحصیلات در سن زنان برای ازدواج و شکاف سنی زوجین تاثیر دارد. شهرنشینی هم تاثیر مثبت و معنی‌داری بر سن ازدواج و تاثیر منفی بر شکاف سنی زوجین دارد. متغیر درصد مسلمانی، سن زنان را در اولین ازدواج کاهش می‌دهد.

1. Vang

3. Bogenschutz

3. Yüksel-Kaptanoğlu

5. Sabbe

5. Gage

6. Carmichael



یافته‌های پژوهش اوکر و استوکس^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «ازدواج زودهنگام در ایالات متحده»، بیانگر آن است که ۲۵ درصد از زنان و ۱۶ درصد از مردان قبل از سن ۲۳ سالگی ازدواج می‌کنند و ازدواج زودهنگام در بسیاری از مشخصه‌ها متفاوت است. افرادی که زودتر ازدواج می‌کنند به احتمال زیاد از خانواده‌های محروم، از خانواده‌های محافظه کار پروتستان یا مورمون^۲ هستند، برای ایمان مذهبی خود ارزش بیشتری قائل هستند، دارای مدرک تحصیلی دبیرستان یا پایین هستند. گیدای^۳ (۲۰۰۶) دلایل اصلی ازدواج زودهنگام را حفظ آبرو (حفظ نام خوب و اعتبار اجتماعی)؛ تقویت رابطه بین خانواده‌هایی که در آن ازدواج صورت گرفته؛ تضمین بکارت دختران؛ ترس از اینکه اگر سن دختر بالا برود نتواند در سنین بالاتر ازدواج کند و خواستگار نداشته باشد، ترس از رابطه جنسی قبل از ازدواج و بارداری، عدم آگاهی از ممنوعیت قانونی ازدواج زودرس و ضعف در اجرای قانون مربوط به سن ازدواج دانسته است. پیامدهای ازدواج زودرس را ترک تحصیل در اوایل بارداری و نگهداری از فرزند، مشکلات مرتبط با سلامتی، خشونت خانگی، شکست در ازدواج، باروری بالا و تهدید سلامت کودکان می‌داند.

روش پژوهش

روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، کیفی بوده و از رهیافت نظریه زمینه‌ای یا داده بنیاد به عنوان روش عملیاتی پژوهش استفاده شده است. نظریه داده بنیاد یک طرح پژوهشی کیفی است که در آن پژوهشگر نوعی تبیین کلی (نظریه) از یک فرایند، اقدام، یا تعامل ارائه می‌دهد که حاصل دیدگاه‌های تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان است (کرسول، ۱۳۹۶: ۸۶). روش‌های کیفی به ویژه نظریه داده بنیاد را می‌توان برای کشف عرصه‌هایی از زندگی که از آنها چیزی نمی‌دانیم، یا عرصه‌هایی که از آنها بسیار می‌دانیم اما می‌خواهیم فهم تازه‌ای به دست آوریم به کار برد (استراوس و کربین، ۱۳۹۴: ۳۲). همچنین نظریه داده بنیاد در جایی کاربرد دارد که یا نظریه‌ای در آن حوزه وجود ندارد یا نظریه‌های موجود اغلب نامناسب بوده و با مشارکت‌کنندگان تحت مطالعه همخوانی ندارد. در واقع، نظریه داده بنیاد بر این است که نظریه‌ها باید مبتنی بر داده‌های میدانی، به ویژه مبتنی بر اقدامات، تعاملات، و فرایندهای اجتماعی افراد باشند (کرسول، ۱۳۹۶: ۸۶). فرق نظریه برآمده از نظریه داده بنیاد با نظریات دانش بشری این است که نظریات موجود در عین حال که تا حد زیادی جهان‌شمول و پر قدرت هستند و به ما امکان تعمیم می‌دهند، به همان اندازه نیز کلی و کلان هستند و شاید از این جهت می‌توان گفت صوری‌اند. اما نظریه برخاسته از داده‌ها، هر چند جهان‌روا نیست و قلمرو تابش نظری او محدود است اما به جای این که صوری باشد واقعی^۵ است. یعنی ریشه در موقعیت خاصی دارد. هر چند قدرت تعمیم‌دهی و پرتوافشانی به همه حیطه‌های مشابه را ندارد و پنهانگر نیست ولی ژرف است و به پدیده‌ای در این جا و اکنون متمرکز است و آن را به طور رهگشا و کارآمدی توضیح می‌دهد (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۹۳). در پژوهش حاضر نیز با توجه به اینکه نظریه‌های

1. Uecker & Stokes
2. Mormon
1. Giday
4. Formal Theory
5. Substantive Theory



موجود در خصوص ازدواج زودهنگام زنان، از بافت و بستریهای موجود این پدیده فرهنگی در ایران غفلت نموده‌اند یا بدان توجهی نکرده‌اند، از روش نظریه داده بنیاد استفاده شده است تا شرایط علّی و پیامدهای ازدواج زودهنگام زنان نشان داده شود.

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال یعنی متولدین ۱۳۸۶ به بعد در روستای ویشه‌سرای شهرستان رضوان‌شهر هستند. در نظریه داده بنیاد، چارچوب نمونه‌گیری به جای آن که معرف آماری باشد، هدفمند^۱ و نظری^۲ است. در پژوهش حاضر نیز نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند شروع و بر اساس نمونه‌گیری نظری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. در واقع، براساس نمونه‌گیری هدفمند سعی شد افرادی که حامل تجربه‌های مرتبط با موضوع و مسئله و پرسش‌های تحقیق بودند انتخاب شوند. یعنی از دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال انواع مختلف اطلاعات لازم از جنبه‌های مختلف مسئله تحقیق به دست آورده شد. در واقع، این افراد در حوزه مسئله پژوهش به گونه‌ای انتخاب شدند که داده‌های مورد نیاز تحقیق از جهت تنوع و کفایت آن به اشباع برسد و داده‌های گردآوری شده هم حالت‌های متوسط و متعارف^۳ و هم حالت‌های مفراط یا انحرافی^۴ را نشان دهند. سپس برای رسیدن به اشباع نظری با نمونه‌های بیشتر و دیگری از دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال مصاحبه صورت گرفت تا در نهایت به نظریه‌ای که توان کافی و لازم در زمینه توضیح و تبیین موضوع و مسئله پژوهش را دارا باشد، دست یابیم.

در مطالعه حاضر، با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، لزومی به مشخص کردن تعداد نمونه به صورت پیش فرض وجود نداشته است و تکرار داده‌های گردآوری شده قبل، مشخص‌کننده تعداد نمونه‌هاست. در واقع، اشباع اطلاعاتی یا نظری ملاک خاتمه نمونه‌گیری است. در مجموع، با ۲۴ نفر مصاحبه شد چرا که داده‌های گردآمده، تکراری شدند و طبقات اطلاعاتی جدیدی به دست نیامدند و بدین ترتیب محققان به اشباع نظری دست یافتند. در این زمینه، کرسول نیز تعداد ۲۰ تا ۳۰ نفر را برای انجام یک نظریه داده‌بنیاد خوش‌ساخت، مناسب می‌داند (کرسول، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

در پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و روش انجام آن، از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. مصاحبه‌های صورت گرفته با هدف کشف و فهم دیدگاه پاسخگویان در زمینه علل، عوامل زمینه‌ساز و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای ازدواج زودهنگام بوده است. در این راستا با بهره‌گیری از رویه‌های نظام‌مند استراوس^۵ و کربین^۶، پروتکل مصاحبه تنظیم شد. در این پروتکل، پرسش‌هایی در زمینه اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان، علل و عوامل زمینه‌ساز یا تسهیل‌گر تغییر ازدواج زودهنگام، پیامدهای ازدواج زودهنگام و راهبردهای افراد در مواجهه با ازدواج زودهنگام مشخص شدند. همچنین از خلال گفته‌های مشارکت‌کنندگان نیز سوالاتی استخراج و طرح شدند.

-
1. Purpsive Sample
 2. Theoretical Sample
 3. Typical Case
 4. Extreme or Deviant Case
 5. Strauss
 6. Corbin



در پژوهش حاضر پس از اتمام مصاحبه‌ها، به منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استراوس و کربین در سه مرحله کدگذاری «باز»، «محوری» و «انتخابی» (فلیک، ۲۰۱۸) مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات جدول ۱ بیانگر آن است که شرایط علی موثر بر کودک همسری عبارتند از: کسب فرصت آزادی، اهمیت یافتن زنانگی، ترس از آبرو، فشار هنجاری، فقر فرهنگ، اجبار و اقتدار والدین، تاثیر گروه همسالان، ترس از دست دادن فرصت ازدواج مناسب، تمایل پسران برای ازدواج با دختران کم سن و سال، پایگاه اقتصادی مناسب خواستگار، تبعیض جنسیتی، نیاز به همدم و تکیه‌گاه، ضعف مهارت‌های زندگی.

کسب فرصت آزادی

مطابق اظهارات مشارکت‌کنندگان کسب فرصت آزادی یکی از عوامل موثر بر وقوع کودک همسری در بین دختران است. تنگناها و محدودیت‌های خلنه پدری، نبود عاطفه و محبت در خلنه پدری، انجام کارهای یکنواخت و روزمره در خلنه پدری، وجود اختلافات و تعارضات خانوادگی بین والدین و در برخی موارد فرار از دست پدر یا مادر ناتنی از جمله عواملی هستند که سوژه‌ها برای رهایی از آنها تن به کودک همسری یا ازدواج زودرس می‌دهند تا با ازدواج منزلت و قدرت بیشتری کسب کنند. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«تو خانه پدرم خیلی محدود شده بودم فلان کار را بکن فلان کار را نکن و همیشه کارهای

تکراری و یکنواخت انجام می‌دادم».

«تو خونه ما همیشه دعوا بود و از طرف پدر و مادرم محبتی نمی‌دیدم و برای همین به

اولین خواستگاری که آمد جواب بله دادم».

اهمیت یافتن زنانگی

اهمیت یافتن زنانگی به این معنی است که یکی از عواملی که باعث ازدواج زودرس در دختران می‌شود؛ علاقه آنها به «زن شدن» و امکان انجام دادن کارهای زنانه مثل آرایش کردن، پوشیدن لباس‌های باز و مجلسی، خرید طلا و جواهر است. در واقع، سوژه‌ها معتقدند که «زن شدن» یا «زنانگی» منزلت و جایگاه و قدرت بیشتری به آنها می‌دهد. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«تا وقتی که ازدواج نکرده بودم نمی‌توانستم آرایش کنم. پدر و مادرم دعوا می‌کردن و دید

خوبی در بین اهالی روستا روی آرایش دخترها وجود نداره».



«لباس‌هایی بود که نامزدها می‌تونستن بپوشن که مجردها نمی‌تونستن... فرد متاهل می‌تونست تو مجالس لباس‌های باز و مجلسی بپوشه ولی من این اجازه رو نداشتم... فرد متاهل می‌تونست آرایش کنه».

ترس از آبرو

ترس از آبرو هم یکی دیگر از عوامل موثر بر کودک همسری در بین مشارکت‌کنندگان است. در واقع با توجه به محیط و فضای کوچک روستا، رو در رو بودن روابط در روستا، قوی بودن عرف و هنجارهای اجتماعی، بسیاری از خانواده‌ها برای حفظ آبرو و شأن خانواده‌شان ترجیح می‌دهند فرزندان دختران‌شان در سنین پایین ازدواج کنند تا مبادا دختران وارد روابط نامتعارف دختر و پسری، فرار از خانه، به فساد کشیده شدن و مورد مزاحمت قرار گرفتن، قرار بگیرند. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«بخاطر این‌که از طرف پسرها مورد مزاحمت قرار نگیرم، پدر و مادرم زود من رو به عقد شوهرم درآوردند تا نکنه حرف ما سر زبان‌های بیفتد».

«اینجا برای این‌که جلوی دوست دختری و دوست پسری را بگیرند تا دختر یه کمی قد کشیده به عقد یک پسری درمی‌آورند».

فشار هنجاری

همان‌طور که در بالا گفته شد، در روستاها یا محیط‌های کوچک عرف و ارزش‌های اجتماعی قوی‌تر از شهرها یا محیط‌های بزرگ هستند و نادیده گرفتن آن تبعات و پیامدهای سنگینی برای فرد دارد. اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که ازدواج زودرس به عنوان یک ارزش در روستا به شمار می‌رود و تبدیل به رسم یا آئین شده است. همچنین با توجه به این‌که ازدواج زودرس در روستا پدیده‌ای شایع است و اکثر افراد فامیل و آشناها در سنین پایینی ازدواج نموده‌اند، این نوع ازدواج تبدیل به امری عادی شده است که باید در اوایل دوران نوجوانی رخ دهد. فشار عرف و ارزش‌ها در روستا به نحوی است که اگر فردی از آن سرباز زند و یا در مقابل آن مقاومت کند و سعی کند در سنین بالاتری ازدواج کند با برچسب‌هایی همچون «در خانه مانده»، «ترشیده» رو به رو خواهد شد. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«اینجا همه در سنین پایین ازدواج می‌کنند و ازدواج در این سنین یک مسئله کاملاً عادی است».

«از آنجایی که همه اعضای فامیل در سنین پایین ازدواج کرده‌اند از تو هم انتظار می‌رود که در سن پایینی ازدواج کنی. یک جورایی ازدواج در سنین پایین رسم شده است و تو نمی‌توانی جلوش بایستی».



فقر فرهنگی

از اظهارات مشارکت کنندگان این گونه استنباط می شود که فقر فرهنگی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر ازدواج زودرس دختران است. فقر فرهنگی بر عدم آگاهی خانواده ها از لطامات ازدواج زودرس، پایین بودن تحصیلات دختران و خانواده ها، ممانعت خانواده از ادامه تحصیل دختر، اولویت داشتن ازدواج نسبت به تحصیل در روستا، نبود امکانات برای ادامه تحصیل، دیدگاه نامناسب نسبت به تحصیل دختر، بد تلقی کردن رفتن دختر به دانشگاه، محدودیت آور بودن محیط و فضای روستا، سنتی و بسته بودن خانواده ها دلالت دارد. در این زمینه، مشارکت کنندگان گفته اند:

«اینجا امکان ادامه تحصیل وجود نداره و برای ادامه تحصیل باید بری رضوان شهر. در روستای ما تنهایی رفتن دختر به شهر بد تلقی می شود به همین خاطر از ادامه تحصیل دخترها جلوگیری می شود».

خیلی از خانواده ها از پیامدهای ازدواج در سنین کودکی خبر ندارند و تحصیلات اکثر خانواده پایین است».

اجبار و اقتدار والدین

اظهارات مشارکت کنندگان بیانگر آن است که اجبار و اقتدار والدین از دیگر عوامل مهم در ازدواج زودرس دختران است. در واقع، ازدواج های زودرس در برخی از مواقع نوعی ازدواج تنظیم شده یا اجباری از سوی والدین هستند. در این نوع ازدواج ها والدین یا بزرگترها اقدام به انتخاب همسر برای دختران می کنند و رضایت دختران برای ازدواج مدنظر قرار نمی گیرد. همچنین این نوع ازدواج ها ازدواج هایی که بر اساس عشق و علاقه و آشنایی صورت نگرفته اند. شرم داشتن از حرف زدن روی حرف بزرگترها و مخصوصاً والدین از عوامل مهمی است که باعث ازدواج اجباری دختران در این روستا می شود. در این زمینه مشارکت کنندگان گفته اند:

«نظر خانواده ها مهم است و نظر و رضایت ما مهم نیست. یک دفعه می گویند که فلانی شوهر تو هست».

«خانواده ها و بزرگترها هر جور که خودشان دوست دارند می برند و می دوزند و ما هم با توجه به احترامی که برایشان قائل هستیم نمی توانیم چیزی بگوئیم».



تأثیر گروه همسالان

گروه‌های دوستان و همسالان موجود در روستا نیز نقش مهمی در ازدواج زودرس دختران دارند. با توجه به این ازدواج زودرس در روستا پدیده‌ای شایع و فراگیر است، بسیاری از دختران و خانواده‌ها بخاطر چشم و همچشمی و یا برای این که از قافله دوستان و همسالان عقب نمانند اقدام به ازدواج در سنین پائین می‌کنند. همچنین از نظر دختران، ازدواج راهی برای پذیرش در بین دوستان متأهل است. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«در روستای ما خیلی از دخترها تا می‌بینند که یکی از دخترای فامیل یا دوست‌شان ازدواج کرده برای اینکه این‌ها هم از اونا عقب نمانند با آمدن یک خواستگار در اسرع وقت ازدواج می‌کنند».

اگه دوستات تو سن پایین ازدواج کرده باشند آنها تو را در بحث‌های خودشان شرکت نمی‌دهند. برای اینکه دوباره تو آن جمع پذیرفته بشی به ازدواج زودرس راضی‌تر می‌شوی. برای خود من این اتفاق افتاده».

ترس از دست دادن فرصت ازدواج مناسب

از دیگر عوامل علی مؤثر بر کودک همسری در بین دختران روستای سفیدان جدید، ترس از دست دادن فرصت‌های ازدواج مناسب است. در واقع، خانواده‌ها با توجه به شایع و عادی بودن ازدواج کودکان در سنین پایین، از این که دختران‌شان «در خانه بمانند» یا به اصطلاح «ترشیده شوند» و سن دختران‌شان بالا برود یا دختران‌شان به «جاهای دور و غریب» بروند، ترس همیشگی دارند و لذا در این راستا با ازدواج دختران در سنین پایین موافقت می‌کنند. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«در روستای ما در خانه ماندن دختر عیب است و خانواده‌ها می‌ترسند که مبادا دخترشان ترشیده شود و کسی باهاش ازدواج نکنه».

«در روستا با بالا رفتن سن دختر کسی برای ازدواج سراغ اون نمی‌رود و خیلی وقت‌ها دخترانی که سن‌شان بالاست و در خانه مانده‌اند مجبور می‌شوند به جاهای دورتری بروند».

تمایل پسران برای ازدواج با دختران کم سن و سال

اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که تمایل پسران برای ازدواج با دختران کم سن و سال هم نقش مهمی در افزایش کودک همسری در روستا دارد. آنها معتقدند که در نظر پسران، دختران کم سن و سال شاداب‌تر و سر حال‌تر هستند. همچنین آنها معتقدند که راحت‌تر و بهتر می‌توان روی دختران کم سن و سال تأثیر گذاشت و به هر طریقی که ایده‌آل‌شان هست آنها را تربیت یا بزرگ نمود. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:



«پسرها هم سراغ دختران کوچک می‌روند چون فک می‌کنند دختران نوجوان سرحال و شاداب‌تر از دختران بزرگ هستند».

«خیلی از پسرها معتقدند وقتی با دختری که سن و سالش کم هست ازدواج می‌کنی راحت‌تر می‌توانی روش تاثیر بگذاری و اون دختر را هر جور که خودت دوست داری می‌توانی بزرگ کنی».

مناسب بودن پایگاه اقتصادی خواستگار

پایگاه یا شرایط اقتصادی مناسب خواستگار نیز از جمله عواملی است که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره نموده‌اند. در واقع، «پول‌دار بودن خواستگار»، «پول‌دار بودن خانواده پسر»، «اهمیت داشتن ماشین و خونه پسر»، «اهمیت داشتن سرمایه و دارایی پسر»، از جمله عواملی است که خانواده‌ها و خود دختران در امر ازدواج آنها را در نظر می‌گیرند. این مقوله بیشتر بر «اهمیت یافتن مادیات در زندگی» دلالت دارد که نقش مهمی در فرایند تصمیم‌گیری خانواده‌ها در ازدواج دختران یا فرزندان‌شان دارد. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«تا خواستگاری موقعیتش خوب باشه و خانه و ماشین داشته باشه، با ازدواج دخترها موافقت می‌کنند».

«اینکه خانواده خواستگار چقدر وضع‌شان خوبه هم خیلی مهمه و کمتر کسی در صورت خوب بودن وضع مالی خانواده خواستگار با این قضیه مخالفت می‌کنه».

تبعیض جنسیتی

تبعیض به معنای عدم تخصیص یکسان منابع بین گروه‌های مشابه است. تبعیض جنسیتی هم به معنای تخصیص غیر یکسان منابع بین زنان و مردان است. در واقع، تبعیض جنسیتی به معنای نبود تساوی زنان و مردان در برخورداری از امکانات و فرصت‌هاست. تبعیض جنسی به‌طور تاریخی و فرهنگی بیشتر در جهت فرودست کردن زنان و دختران به‌کار رفته است. اظهارات مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که در روستای سپیدان جدید، به پسران بیشتر از دختران اهمیت می‌دهند، به تحصیلات و ادامه تحصیل دختران بهایی داده نمی‌شود و در ازدواج فقط شرایط پسر را در نظر می‌گیرند و توجهی به شرایط و رضایت دختر در ازدواج ندارند. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«اینجا فقط شرایط پسر را در نظر می‌گیرند و توجهی به شرایط دختر ندارند. اصلاً کاری به این کار ندارند که آیا دختر هم با این مسئله موافق است یا نه».

«دختر بودن زیاد مهم نیست و ارزشی به آن صورت ندارد و اصلاً در روستا اهمیتی به تحصیل و ادامه تحصیل دختران نمی‌دهند».



نیاز به همدم و تکیه‌گاه

نیاز به همدم و تکیه‌گاه نیز از جمله عواملی است که در وقوع پدیده کودک همسری در روستای سفیدان جدید نقش دارد. «نیاز به دوست داشتن» و «نیاز به دوست داشته شدن» از جمله انگیزه‌هایی هستند که دختران را برای ازدواج زود هنگام ترغیب می‌کنند. همچنین این مقوله با مقوله کسب فرصت آزادی بیشتر نیز ارتباط دارد. به طوری که دختران «نیاز به محبت و توجه» و «بی‌منت بودن خانه شوهر» را عاملی مهم در جهت پیدا نمودن همدم و تکیه‌گاه در سنین پایین می‌دانند. مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«خب آدم واقع نیاز داره که یکی اون رو دوست داشته باشه و اونم یکی دیگه را دوست داشته

باشه. تو خونه خیلی بهم منت می‌زنند من فک می‌کنم که خونه شوهر بی‌منت است برای

همین زود ازدواج کردم».

ضعف مهارت‌های زندگی

آخرین عاملی که مشارکت‌کنندگان در اظهارات‌شان بدان اشاره کرده‌اند، ضعف مهارت‌های زندگی است. در واقع، مشارکت‌کنندگان «ترسیدن به بلوغ فکری»، «ترسیدن به بلوغ عقلی»، «عدم استقلال یا مستقل نشدن دختر»، «نداشتن توانایی و قدرت تصمیم‌گیری»، «تسلیم محض تصمیمات خانواده بودن»، «عدم آگاهی دختران از مسئولیت‌های ازدواج» را عاملی اساسی در ترغیب به سمت ازدواج زودهنگام می‌دانند. مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«خب اون موقع (موقع خواستگاری) من هیچی نمی‌دانستم و از نظر عقلی رشد نکرده بودم

که بدونم ازدواج در آن سن اشتباهه. توانایی و قدرت تصمیم‌گیری نداشتم و از مسئولیت‌های

ازدواج خبر نداشتم».

جدول ۱. شرایط علی موثر بر ازدواج زودرس یا کودک همسری

مقولات محوری	کدهای باز
کسب فرصت آزادی	فرار از روزمرگی‌های خانه پدری، فرار از محدودیت‌های خانه پدری، فرار از تمسخرها و سرزنش‌ها، کسب منزلت یا قدرت بیشتر با ازدواج، رهایی از فقر یا خلا عاطفی موجود در خانواده پدری، فرار از دست پدر یا مادر ناتنی، فرار از اختلافات والدین
اهمیت یافتن زنانگی	پوشیدن لباس‌های باز و مجلسی در مراسم‌ها، داشتن لباس‌های خوب، به‌دست آوردن طلا و جواهرات، انداختن طلا و جواهرات، آرایش کردن
ترس از آبرو	ترس از ارتباط دختران با پسران، ترس از به فساد کشیده شدن دختران، ترس از فرار دختران، ترس از مزاحمت‌های صورت گرفته نسبت به دختران
فشار هنجاری	رسم شدن ازدواج زودرس در روستا، موروثی بودن ازدواج زودرس نزد فامیل و روستائیان، عادی شدن ازدواج زودرس در روستا، پیروی کورکورانه از رسومات روستا، عدم توانایی مقابله با عرف و آداب و رسوم روستا



عدم آگاهی خانواده‌ها از لطامات ازدواج زودرس، تحصیلات پایین دختران و خانواده‌ها، ممانعت خانواده از ادامه تحصیل دختر، اولویت داشتن ازدواج نسبت به تحصیل در روستا، دیدگاه نامناسب نسبت به تحصیل دختر، بد تلقی کردن رفتن دختر به دانشگاه، محدودیت‌آور بودن محیط و فضای روستا، سنتی و بسته بودن خانواده‌ها، نبود امکانات برای ادامه تحصیل	فقر فرهنگی
اصرار والدین بر ازدواج دختران، اجبار خانواده دختر برای ازدواج، انتخاب همسر برای دختر توسط والدین، عدم ازدواج بر اساس علاقه، در نظر نگرفتن رضایت دختر نسبت به ازدواج	اجبار و اقتدار والدین
ازدواج زودرس در بین هم سن و سال‌ها، ازدواج راهی برای پذیرش در بین دوستان متاهل، عقب نماندن از قافله دوستان متاهل	تاثیر گروه همسالان
ترس از ترشیده شدن، ترس از در خانه ماندن، ترس از دادن دختر به جاهای دور و غریب، ترس از بالا رفتن سن دختر	ترس از دست دادن فرصت ازدواج مناسب
شاداب و سرحال بودن دختران کم سن و سال از نظر پسران، توانایی تاثیرگذاری بیشتر بر دختر کم سن و سال	تمایل پسران برای ازدواج با دختران کم سن و سال
پول‌دار بودن خواستگار، پول‌دار بودن خانواده پسر، اهمیت داشتن ماشین و خونه پسر، اهمیت داشتن سرمایه و دارایی پسر	پایگاه اقتصادی مناسب خواستگار
اهمیت بیشتر پسر نسبت به دختر، اهمیت ندادن به تحصیل دختر، در نظر گرفتن شرایط و وضعیت پسر در ازدواج، در نظر نگرفتن شرایط و وضعیت دختر در ازدواج	تبعیض جنسیتی
نیاز به دوست داشتن، نیاز به دوست داشته شدن، بی‌منت بودن خانه شوهر، نیاز به محبت و توجه	نیاز به همدم و تکیه‌گاه
نرسیدن به بلوغ فکری، نرسیدن به بلوغ عقلی، عدم استقلال یا مستقل نشدن دختر، نداشتن توانایی و قدرت تصمیم‌گیری، تسلیم محض تصمیمات خانواده بودن، عدم آگاهی دختران از مسئولیت‌های ازدواج	ضعف مهارت‌های زندگی

نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های پژوهش بیانگر آن است که شرایط علی موثر بر کودک همسری در بین زنان مشارکت‌کننده عبارتند از: کسب فرصت آزادی، اهمیت یافتن زنانگی، ترس از آبرو، فشار هنجاری، فقر فرهنگی، اجبار و اقتدار والدین، تاثیر گروه همسالان، ترس از دست دادن فرصت ازدواج مناسب، تمایل پسران برای ازدواج با دختران کم سن و سال، پایگاه اقتصادی مناسب خواستگار، تبعیض جنسیتی، نیاز به همدم و تکیه‌گاه، ضعف مهارت‌های زندگی. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های شیدایی و خدابخش (۱۳۸۷)، لطفی (۱۳۸۹)، افتخارزاده (۱۳۹۵) و مقدادی و جوادپور (۱۳۹۶) و گیدای (۲۰۰۶) است که در مطالعات‌شان نشان دادند که عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی از جمله حفظ آبرو و شرف خانوادگی، ترس از بی‌آبرویی و غیره مهمترین عوامل موثر بر کودک همسری در ایران هستند.



در تبیین دلایل ازدواج در سنین پایین یا کودک همسری به ویژه در بین سنین ۱۴-۱۰ سال می‌توان گفت که پدیده ازدواج زودهنگام در جامعه ایران امری دیرین و دیرپاست. هر چند این پدیده در بعضی مناطق شهری و پیشرفته امروزه کم‌رنگ‌تر شده است، اما همچنان در بسیاری از مناطق شهری و روستایی کشور ما تعداد زیادی از نوجوانان در معرض خطر ازدواج زودهنگام قرار دارند و با شرایط فرهنگی موجود در جامعه ما و آموزش‌های سطح کلان در جامعه و گسترش خدمات اجتماعی و غیره هنوز معضل مهمی به شمار می‌آید (سادات صفوی و مینایی، ۱۳۹۴). کودک همسری در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی، هنجارهای کلیشه‌ای جنسیتی، همچنان به عنوان یک الگوی سنتی زناشویی در میان بسیاری از اقوام و مناطق روستایی و شهرهای کوچک رواج دارد (سعیدی، ۱۳۹۶). همچنین ارزشمندی ازدواج، باورهای جامعه درباره فواید ازدواج زودهنگام، نگرانی والدین از پیامدهای پاسخ منفی به خواستگار، نگرانی از حرف‌های مردم، عبرت از دختران مجرد (بیشتر از ۳۰ سال)، نگرانی از افزایش سن دختران و تأخیر در ازدواج یا نبود فرصت ازدواج در آینده، نگرانی از فاصله سنی زیاد زوجین با کودک‌شان، تقاضای فراوان برای ازدواج با دختران نوجوان تمایل دختران نوجوان به ازدواج، نگرانی والدین از فرار دختر با پسر مورد علاقه‌اش و به خطر افتادن آبرو و ضعف مالی از دلایل ازدواج زودهنگام است (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). در تائید یافته‌های بالا، احمدی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان داد که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از جمله هنجارهای مربوط به مذهب، بر سنی که از دختران انتظار می‌رود ازدواج کند، تأثیر می‌گذارد. به علاوه وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سطح تحصیلات و زمینه اجتماعی بر احتمال ازدواج زودهنگام یک دختر دخالت دارند. همچنین مردسالاری، تحکیم روابط بین خانواده‌ها، هنجارهای جنسیتی اجتماعی، ساختارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز، فشار اجتماعی، پابندی و تداوم هنجارهای اجتماعی درون نسلی، پرهیز از داغ اجتماعی، ترس و نبود امنیت، تضمین آینده دختر، منع فعالیت‌های جنسی خارج از ازدواج از مهمترین دلایل ازدواج زودهنگام در ایران هستند.



منابع

- احمدی، کامیل (۱۳۹۶). طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران، تهران: شیرازه.
- استراوس، آنسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- افتخارزاده، سیده زهرا (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۵۶-۱۰۸.
- ایمان، محمدتقی؛ گلی، علی و زارع، اسماء (۱۳۹۴). مطالعه الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزندآوری آنان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۲۴-۱.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۰). نگاهی تربیتی به کنوانسیون حقوق کودک، تهران، کتاب زنان، شماره ۱۶.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۶۹). بررسی وضع ازدواج و طلاق در شهر تبریز، بخشی از مطالعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای دفع مفاسد اجتماعی در استان آذربایجان شرقی، وزارت کشور.
- حسینی، حاتم و گراوند، مریم (۱۳۹۲). سنجش عوامل موثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت، نشریه زن در توسعه و سیاست، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- دولت آبادی، شیوا (۱۳۷۹). پیرامون حقوق کودک، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱). مبانی رفاه اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سادات صفوی، حنانه و مینایی، ماه گل (۱۳۹۴). تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زودهنگام دختران آران بیدگل)، پژوهشنامه زنان، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۰۶-۸۷.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۶). بررسی مردم نگارانه پدیده ازدواج زودهنگام در میان مهاجران افغان (قوم هزاره) در دو شهر هامبورگ (آلمان) و تهران (ایران)، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال هفتم، شماره ۱، صص ۹۳-۷۳.
- شیدایی، کریم و خدابخش، رسول (۱۳۸۷). بررسی وضعیت ازدواج، علل دی‌پرسی آن و ریشه‌های طلاق در شهرستان بناب، پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- فرستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه، تهران: آگاه.
- فرضی‌زاده، زهرا؛ طالب، مهدی و متوسلی، محمود (۱۳۹۶). بررسی موانع تحصیلی دختران روستایی (پژوهش کیفی)، تعلیم و تربیت، سال سی و سوم، شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۱۵.
- قاسمی، غزل و دادجو، فرید (۱۳۹۸). آسیب شناسی پدیده کودک همسری در ایران، هفتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، انجمن علوم و فنون بنیادین.
- کرسول، جان (۱۳۹۶). پویش کیفی و طرح پژوهش، ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار.
- لطفی، راضیه (۱۳۸۹). پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان، فصلنامه زن و بهداشت، شماره ۲، صص ۷۹-۶۷.
- مقدادی، محمدمهدی، جوادپور، مریم (۱۳۹۶). تاثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن، حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۶۰-۳۱.



- Ahmad, K., Farooq, A., & Kayani, A. K. (2015). Marriage and family structures in the rural Punjab: A shift from conservative to contemporary patterns. *International Journal of Sociology and Social Policy*. Vol, 35, Iss 5/6, 306-324.
- Carmichael, S. (2011). Marriage and power: Age at first marriage and spousal age gap in lesser developed countries. *The History of the Family*, 16(4), 416-436.
- Erulkar, A. (2013). Early marriage, marital relations and intimate partner violence in Ethiopia. *International perspectives on sexual and reproductive health*, 6-13.
- Flick, U. (2018). *Doing Grounded Theory*, Los Angeles: Sage.
- Gage, A. (2013). Association of child marriage with suicidal thoughts and attempts among adolescent girls in Ethiopia. *Journal of Adolescent Health*, 52(5), 654-656.
- Giday, Tilahu (2006) Report on Causes and Consequences of Early Marriage in Amhara Region. Pathfinder International/Ethiopia.
- Kiplesund, S., & Morton, M. (2014). Gender-based violence prevention: lessons from World Bank impact evaluations. World Bank.
- McCleary-Sills, J., Hanmer, L., Parsons, J., & Klugman, J. (2015). Child marriage: a critical barrier to girls' schooling and gender equality in education. *The Review of Faith & International Affairs*, 13(3), 69-80.
- Mourtada, R., Schlecht, J., & DeJong, J. (2017). A qualitative study exploring child marriage practices among Syrian conflict-affected populations in Lebanon. *Conflict and health*, 11(1), 53-65.
- Pinheiro PS. (2006), *World Report Violence against Children*. Geneva: United Nations.
- Sabbe, A., Oulami, H., Zekraoui, W., Hikmat, H., Temmerman, M., & Leye, E. (2013). Determinants of child and forced marriage in Morocco: stakeholder perspectives on health, policies and human rights. *BMC international health and human rights*, 13(1), 1-12.
- Segal-Engelchin, D., Huss, E., & Massry, N. (2016). The experience of early marriage: Perspectives of engaged and married Muslim women in Israel. *Journal of Adolescent Research*, 31(6), 725-749.
- Uddin, M. E. (2015). Family socio-cultural values affecting early marriage between Muslim and Santal communities in rural Bangladesh. *International Journal of Sociology and Social Policy*.
- Uecker, J. E., & Stokes, C. E. (2008). Early marriage in the United States. *Journal of Marriage and Family*, 70(4), 835-846.
- Vang, P. D., & Bogenschutz, M. (2014). Teenage marriage, and the socioeconomic status of Hmong women. *International Migration*, 52(3), 144-159.
- Yüksel-Kaptanoğlu, I., & Ergöçmen, B. A. (2014). Early marriage: trends in Turkey, 1978-2008. *Journal of Family Issues*, 35(12), 1707-1724.